

دوفصلنامه علمی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)
سال هفدهم / دوره جدید / شماره ۵۶ / پاییز و زمستان ۱۴۰۰
صص ۷۸-۹۶ (مقاله علمی - پژوهشی)

حق بیمار بر محرمانگی اطلاعات پزشکی و گستره آن از منظر امامیه و اهل سنت

• محمدجواد حیدری خراسانی

استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه قم

dr.mjheydari@gmail.com

• مهدی اخلاصی

دانش پژوه درس خارج حوزه علمیه قم و دانش آموخته مرکز فقهی ائمه اطهار (ع) قم (نویسنده مسئول)
ekhlasi.m97@gmail.com

علیرضا مجدآرا

دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه قم

a.majdara007@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۳

چکیده

یکی از اصول بنیادین در درمان، دریافت اطلاعات صحیح و کامل از بیمار است و این فرایند نیز تنها در سایه اعتماد بیمار به کادر درمان رخ می‌دهد. از این رو، رازپوشی و حفظ اسرار بیماران در نظام سلامت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، همان‌گونه که متون به‌جای‌مانده در این زمینه گواه قدمت دیرینه آن است. در این میان، یکی از عوامل تحول‌ساز در زمینه نهادینه‌کردن لزوم حفظ اسرار بیماران، نگرش «حق‌مدارانه» به امر محرمانگی مدارک پزشکی است؛ زیرا از سویی در سایه این «حق» می‌توان نوعی ضمانت اجرایی را به تصویر کشید و از سوی دیگر تعیین گستره این حق گامی اساسی در ارتقاء امنیت سلامت فرد و جامعه است، زیرا گاهی اقتضای برخی از مصالح، نوعی الزام به افشاگری است که نتیجه آن تراحم میان حق بر محرمانگی اطلاعات با حق بر افشای اطلاعات بیمار است. بر این اساس هدف این نوشتار، اثبات «حق بیمار بر رازداری و تبیین گستره آن» است. بنابراین، سؤال مطرح آن است که در تعالیم دینی، از چه مؤلفه‌هایی می‌توان برای الزام‌آوری به عنوان یک «حق» در راستای حفظ یا افشای اطلاعات بیمار بهره برد. نتایج نوشتار حاضر که با تکیه بر گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و روش توصیفی - تحلیلی سامان یافته است، نشان می‌دهد که محرمانه قلمداد شدن مدارک پزشکی به عنوان یک حق برای بیمار ثابت است، اما در شرایطی که رازداری سلامت بیمار، اطرافیان و یا جامعه را با مخاطره مواجه سازد، پزشک ملزم به رازداری نبوده، بلکه در برخی موارد موظف به اطلاع‌رسانی است.

کلیدواژه‌ها: حق، بیمار، محرمانگی اسرار، رازداری، افشا، مصالح اجتماعی.



۷۸

مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی
سال هفدهم
شماره ۵۶ - پاییز و زمستان ۱۴۰۰

مقدمه

رازداری یکی از اساسی‌ترین وظایف انسانها در ارتباط با یکدیگر است که رعایت آن، تحقق بخش زندگی اجتماعی است. لزوم رعایت این اصل بنیادین در روابط بین بیمار و کادر درمان از ضروریات اخلاق پزشکی به‌شمار می‌رود، چرا که هدف، سلامتی بیمار است و این مطلب که پزشک نباید اسرار بیمار خود را فاش نماید، در پیدایش حس اعتماد در روابط درمانی و در نهایت بهبود وی نقش مهمی را داراست. به دیگر سخن جنبه مثبتی که حفظ اسرار از سوی کادر درمانی دارد، آن است که بیمار با جرأت و اطمینان کامل تمامی آنچه در معالجه و مداوای وی ممکن است، مؤثر باشد را بیان می‌نماید که این امر در رسیدن به تشخیص بیماری و یافتن راههای درمانی تأثیرگذار است.

به‌نظر می‌رسد آنچه در این میان می‌تواند اصلاح‌کننده مشکل افشای اسرار بیماران باشد، نگاه «حق محور» به این امر است، چرا که الزام‌آور بودن از اوصاف مسلم حقوق است.^۱ شایان ذکر است که این حق در حقی فردی خلاصه نمی‌شود، زیرا واضح است که عدم رعایت رازپوشی در امور درمانی و بی‌توجهی به پیامدهای آن، عاملی در راستای برهم‌زدن نظم اجتماعی نیز به حساب می‌آید. این مهم و نقش بنیادین آن به اندازه‌ای است که بحث رازداری و محرمانگی اسرار بیماران را به بحثی با قدمتی دیرینه مبدل ساخته است که در خارج از مرزهای اسلام نیز می‌توان شاهد رگه‌های این حق اساسی بود و در همین راستا، از یک سو پیشرفتهای علم پزشکی و دستیابی به اطلاعات مهمی همچون مسائل ژنتیکی و از سوی دیگر در معرض سوءاستفاده قرار گرفتن پرونده پزشکی، اهمیت و ضرورت این بحث را دوچندان نموده است. با نگاهی به میراث غنی اسلام به کمتر کتاب روایی - فقهی - اخلاقی می‌توان دست یافت که به این حق و مسائل پیرامون آن نپرداخته

۱. فلسفه حقوق، ج ۱، ص ۵۱۸.

باشد که خود بیانگر میزان اهتمام شریعت اسلامی به این مهم است. در عصر حاضر نیز با استمرار نوشته‌هایی در تکمیل و پویایی اخلاق پزشکی مواجه هستیم. «حقوق بیمار در فرض برائت گرفتن پزشک از مسئولیت» نوشته اشرف‌زاده فرسنگی، «لزوم محرمانه نگهداشتن اطلاعات ژنتیکی افراد بشر» اثر علیرضا میلانی فر و محمد مهدی آخوندی و «رازداری و حدود آن در حرفه پزشکی» به قلم غلامحسین مهدوی نژاد و نیز «حریم خصوصی و رازداری در حرفه پزشکی و جنبه‌های مختلف آن» اثر مجتبی پارسا، «رازداری؛ حق بیمار و مسئولیت مدنی پزشک» نوشته علیرضا یزدانیان و مینا عبدالله‌زاده و در نهایت «بررسی فقهی - حقوقی دلایل محرمانگی مدارک پزشکی» کاری مشترک از مریم جوادی‌پور و همکاران از جمله آثاری است که به رشته تحریر در آمده است، نگاه اخلاق‌مداران به رازداری، توجه به تبعات و پیامدهای مخرب آن و یا بحث از گستره لزوم رازداری، فصل مشترک بیشتر آثار انتشار یافته در این زمینه است و به دیگر سخن کمتر می‌توان نوشته‌ای را یافت که از منظر الزامی برآمده از آموزه‌های دینی، آن هم با نگاه حق‌محور به کاوش موضوع پرداخته باشد. از این رو، پرداختن به راههایی که فرآیند آن اطمینان‌بخش بیماران در ارائه اطلاعات پزشکی است، امری ضروری می‌نماید. بدین منظور مسئله‌ای که بنیان پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد، آن است که آیا می‌توان با تکیه بر آموزه‌های دینی به عنوان منابع نظام حقوقی، «حق بودن محرمانگی مدارک پزشکی و گستره آن» را به اثبات رسانید؟ به بیان دیگر در آموزه‌های اسلام، از چه مؤلفه‌های فقهی برای اثبات لزوم محرمانه‌بودن اطلاعات و اسناد پزشکی به عنوان یک «حق» می‌توان بهره برد؟ در نوشتار حاضر پس از تعریف واژگان بحث، به بیان آیات و روایاتی از فریقین پرداخته می‌شود که گویای حق بودن این نیاز اساسی برای بیماران است، آن‌گاه





گستره این حق تبیین و مواردی به عنوان استثناء بررسی می‌شود.

واژه شناسی

۱) حق

لغت‌شناسان واژه «حق» را به تقيض و ضد باطل^۲، مطابقت و موافقت، پایداری و ثبات^۳ معنا نموده‌اند. نسبت به معنای اصطلاحی نیز شمار زیادی از فقیهان با تفسیر حق به سلطنت و قدرت همدلی می‌کنند. با این حال برخی فقیهان معتقدند میان مفاهیمی مانند ملکیت و سلطنت از یک سو و حق از سوی دیگر ملازمه دائمی برقرار نیست. به نظر می‌رسد حق، نوعی اختصاص و امتیاز خاصی است که ذیحق از آن بهره‌مند می‌شود و این اختصاص و امتیاز حمایت و تضمین شده است.^۴ به دیگر سخن، حق در اینجا چیزی است که به نفع فرد و بر عهده دیگران است و بر همین اساس گفته شده است که هر تکلیفی در مقررات حقوقی، ملازم با حقی است که برای دیگران در نظر گرفته شده است و هر حقی نیز تکلیفی بر دیگران به همراه دارد، از این روی حق و تکلیف دو مفهوم متلازم به‌شمار می‌روند، پس هنگامی که گفته می‌شود «حق دارد از چیزی بهره‌مند شود» به این معناست که دیگران تکلیف دارند حق او را محترم بشمارند.^۵ در نهایت می‌توان گفت که حق مطرح در حریم خصوصی ماهیتاً نوعی مصونیت شخص در محدوده‌های خاص است، که مهمترین اثر آن حرمت و ممنوعیت مداخله و مزاحمت در محدود آن است.^۶

۲) راز

راز به معنای «سرّ، رمز و یا چیزی که باید پنهان داشت

و یا به افراد مخصوص گفت» آمده است.^۷ برخی نیز آن را سخن پوشیده و پنهان در دل معنا کرده‌اند. نسبت به معنای اصطلاحی نیز در تعریف رازداری پزشکی آمده است: «هر آنچه پزشک (یا صاحبان حرف پزشکی) به واسطه گفتار خود بیمار یا معالجات و معاینات از وضعیت بیمار کسب کرده است، که اگر پزشک (یا یکی از صاحبان حرف پزشکی) نبود نمی‌توانست از آن مطلع باشد، راز تلقی می‌گردد. مزید بر آن هر آنچه بیمار خواهان حفظ آن به عنوان راز است نیز باید جزو اسرار بیماران محسوب شود».^۸ نکته‌ای که در این میان مهم می‌نماید آنکه سر امری است که به طور معمول انگیزه و داعی بر پنهان کردن آن وجود داشته باشد؛ بنابراین اگر افرادی به ندرت به اخفای امری میل نداشته باشند و بخواهند آن را آشکار کنند، ضرری به ماهیت سری بودن آن امر ندارد و سری بودن آن راز نفی نمی‌کند.^۹ برخی از نویسندگان سر را در یک تقسیم‌بندی به مواردی که شارع به کتمان آن دستور داده یا از سوی صاحب سر درخواست محرمانه بودن مطرح شده و یا آنکه خود اطلاعات، اقتضای سری بودن را دارد؛ مانند مدارک پزشکی تقسیم‌بندی کرده‌اند.^{۱۰}

۳) بیماری

این واژه که در مقابل سلامت و تندرستی قرار دارد به معنای ناخوشی و دردداشتن است، از این رو برخی از اهل لغت آن را به خارج شدن حالت مزاج انسان از اعتدال تعریف کرده‌اند.^{۱۱} بیماری از عناوینی است که در فقه اسلامی احکامی را به خود اختصاص داده است، زیرا به لحاظ ایجاد ضعف و ناتوانی جسمانی و در مواردی عقلانی در بیمار، می‌توان شاهد در تغییر احکام به لحاظ تغییر موضوع آن بود که آثاری در پی دارد.

۷. لغت‌نامه دهخدا، ج ۲۶، ص ۴۰.

۸. «رازپوشی و حقیقت‌گویی»، ص ۳۹۵.

۹. مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۴، ص ۱۷.

۱۰. الموسوعه الفقهيّة الكويّتيه، ج ۲۴، ص ۲۸۸.

۱۱. مفردات الفاظ القرآن، ص ۷۶۵.

۲. العین، ج ۳، ص ۶.

۳. لغت‌نامه دهخدا، ج ۶، ص ۸۰۲۸.

۴. حقوق کودک، ص ۳۷.

۵. ماهیت و مبانی کلامی تکلیف، ص ۶۷.

۶. حریم خصوصی در حقوق کیفری، ص ۵۷.

۴) مدارک پزشکی

پرونده یا مدارک پزشکی مجموعه‌ای گردآوری شده از اطلاعات حیاتی و تاریخچه درمانی بیمار است. این مجموعه حاوی اطلاعاتی است که بیانگر وضعیت بیماری فرد در زمان گذشته و حال و نیز گویای روند درمانهای انجام شده است، بدین منظور مدارک پزشکی باید به گونه‌ای جمع آوری شود که داده‌های کافی و مناسب را از هویت بیمار در اختیار کادر درمان قرار دهد و راهنمای تشخیص‌های بعدی باشد. از داده‌های پزشکی افزون بر مدیریت مراقبت بیمار می‌توان در حوزه‌هایی همچون بررسی کیفی، بازپرداخت مالی، بهداشت عمومی، آموزش و پژوهش بهره گرفت.^{۱۲}

حق بیمار بر محرمانگی مدارک پزشکی

با نگاهی به آموزه‌های دینی که در قالب تراث شیعه و سنی تدوین شده است، می‌توان به مستندات بسیاری دست یافت که در آنها امر محرمانگی مدارک پزشکی به عنوان یک «حق» برای اشخاص، قابل تحلیل و اثبات است.

۱) آیات قرآنی

یکی از مستندات لزوم محرمانه‌بودن اطلاعات بیمار آیات متفاوتی از قرآن کریم است؛ که در برخی به طور مستقیم و در برخی نیز غیرمستقیم بر رعایت این امر تأکید شده است، که در ادامه بیان می‌شود.

الف) نهی از افشای راز

از آیاتی که به کمک توسعه در ملاک می‌توان از آن در استدلال به ممنوعیت افشای اسرار بهره برد، آیات آغازین سوره تحریم است. پیامبر اکرم(ص) رازی را به یکی از همسران خود گفت و او نیز ماجرا را به همسر دیگر حضرت خبر داد. رسول خدا(ص) سخت اندوهگین شد و این آیات سوره تحریم فرود آمد: «چون پیامبر با یکی از همسرانش سخنی نهانی گفت،

و همین که وی آن را [به زن دیگر] گزارش داد و خدا [پیامبر] را بر آن مطلع گردانید [پیامبر] بخشی از آن را اظهار کرد و از بخشی [دیگر] اعراض نمود. پس چون [مطلب] را به آن [زن] خبر داد، وی گفت: «چه کسی این را به تو خبر داده؟» گفت: «مرا آن دانای آگاه خبر داده است»^{۱۳}

اگرچه شأن نزولهای متفاوتی برای این آیه شریفه بیان شده است، اما آنچه در این میان مسلم می‌نماید، تأدیپ^{۱۴} و نکوهشی است که نسبت به افشای راز بیان شده است. همان‌گونه که در ادامه آیه شریفه خداوند متعال در مقام مذمت به آن دو زن می‌فرماید: «اگر شما دو زن به سوی خدا برگردید که هیچ، وسیله توبه خود را فراهم کرده‌اید، و اگر علیه آن جناب دست به دست هم دهید، بدانید که مولای او خداست.» لسان آیه شریفه نشان از خطا و جرم بودن این عمل است، زیرا توبه‌کردن در جایی صورت می‌گیرد که معصیت و نافرمانی تحقق یافته باشد. در نتیجه با عنایت به آنچه بیان شد و با توسعه در ملاک می‌توان گفت که افشای اسرار عملی حرام و معصیت است.^{۱۵} در تفسیر نمونه نیز به این نکته اشاره شده است که رازداری نه تنها از صفات مؤمنان حقیقی است که هر انسان با شخصیتی باید رازدار باشد، این معنی در مورد دوستان نزدیک و همسر اهمیت بیشتری دارد. در آیات سوره تحریم بیان شد که چگونه خداوند بعضی از همسران پیامبر(ص) را به خاطر ترک رازداری شدیداً ملامت و سرزنش می‌کند^{۱۶} و این تعبیر خود گویای آن است که حقی از پیامبر خدا(ص) مراعات نشده و باعث آزار ایشان شده است. به بیان دیگر اعتراض ناشی از فاش کردن سر رسول خدا(ص) برگرفته از آن است که رازپوشی حقی مهم از حقوق انسانهاست.

محرمانه‌بودن مدارک پزشکی: بیماریها اقسام فراوانی

۱۳. تحریم، ۳.

۱۴. عون المعبود شرح سنن أبي داود، ج ۱۰، ص ۲۶۶.

۱۵. رک: «محرمانگی اسرار بیماران در آئینه فقه»، ص ۱۳۴.

۱۶. تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۲۸۴.

۱۲. مدیریت اطلاعات بهداشتی، ص ۳۹؛ «محرمانگی اسرار بیماران در آئینه فقه»، ص ۱۲۹.





دارند که در تقسیم‌بندی آنها جهات گوناگونی در نظر گرفته می‌شود؛ مانند جسمی و روانی، مهلک و غیرمهلک، مسری و غیرمسری، برخی از بیماریها به گونه‌ای هستند که بیماران انگیزه بیشتری برای پنهان کردن نوع بیماری خود دارند؛ بر خلاف برخی دیگر از بیماریها که موضوع چندان بااهمیتی نیستند، برای نمونه از دید فرد بیمار، ابتلا به ایدز و سرطان تفاوت بسیاری با بیماری آنفلوآنزا و سینوزیت دارد و بیمارانی که مریضی سخت و مهلک دارند، یا بیماریهایی که آثار و عوارض آنها چنان آشکار نیست که از ظاهر بیمار به وضوح بتوان به آن بیماری پی برد، تلاش بسیاری می‌کنند که دیگران از بیماری و اسرار مرتبط با آن آگاه نشوند. بنابراین یکی از مهمترین ملاکهایی که جنبه راز و سری بودن بیماری را پررنگ جلوه می‌دهد، جنبه عیب و نقص بودن یک بیماری است. از این رهگذر بیمار با مراجعه به کادر درمان و افشای بیماری خود در واقع سر مگوی خویش را برای کادر درمان بازگو می‌نماید که با توجه به آیه شریفه افشای آن امری نادرست و عملی غیرقانونی تلقی می‌شود که بر خلاف اخلاق پزشکی است. بنابراین با عنایت به مفاد آیه شریفه، پرسنل درمانی وظیفه حفاظت از مدارک پزشکی را بر عهده داشته و تنها در برخی موارد می‌توانند از این اصل مهم تعدی نمایند.

ب) ممنوعیت خیانت

خداوند می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خدا و پیامبر او خیانت مکنید و [نیز] در امانتهای خود خیانت نورزید و خود می‌دانید (که نباید خیانت کرد)».^{۱۷} بحث امانت از منظر اخلاقی و حقوقی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و در آیات متعددی از قرآن مورد اشاره قرار گرفته است. امانت در لغت ضد خیانت و به معنای اعتماد نمودن است.^{۱۸} امانت را از این جهت امانت می‌نامند که کسی مال خود را در

جای امنی قرار می‌دهد تا از هر گونه آسیبی در امان بماند. امانتدار و امین بودن مؤمنان نیز بدین معناست که مأمّن اموال و محرم اسرار مردمند. از این رو، خیانت نمودن امری حرام است، همان‌طور که تعدی، تفریط و سهل‌انگاری در نگهداری امانت جایز نیست. بنابراین آنچه در این آیه به عنوان دستوری از مؤمنین خواسته شده است، رعایت محرمانگی و پرهیز از خیانت است.^{۱۹} از این رهگذر، آیه شریفه با ممنوع نمودن خیانت، بیانگر «حق امنیت» برای افراد است و از اطلاق آیه و نیز موارد استعمال کلمه امانت می‌توان به این امر دست یافت که امانت مخصوص امور مالی نیست، بلکه امور غیرمالی (اسرار) را نیز در بر می‌گیرد.^{۲۰} در تفسیر نمونه آمده است: «امانت گرچه معمولاً به امانتهای مالی گفته می‌شود ولی در منطق قرآن مفهوم وسیعی دارد که تمام شئون زندگی اجتماعی و سیاسی و اخلاقی را در بر می‌گیرد».^{۲۱} ابن‌بابویه نیز به این امر تصریح داشته و می‌فرماید: «خیانت تنها در امور مادی و مال خلاصه نمی‌شود؛ بلکه شامل موارد معنوی نیز می‌شود، مثل اینکه در سری که بر آن امین شمرده شده خیانت بکند که افشای آن باعث هلاکت صاحب سر یا بی‌آبرویی و منقصدت اجتماعی او می‌شود.^{۲۲} از این رو ماوردی معتقد است که حفظ اموال بسی آسانتر از حفظ اسرار است. غزالی از فقیهان شافعی با منهی دانستن افشای سر از باب اذیت، آزار و بی‌احترامی به دیگران، آن را مصداقی از خیانت در امانت دانسته و در صورت ضررزدن به دیگران آن را حرام و در فرض عدم ضرر آن را مستحق مذمت دانسته است.^{۲۳}

اسناد پزشکی امانتی نزد کادر درمانی: بیمار برای به‌دست آوردن سلامتی خود، پزشک را قابل اعتماد و

۱۹. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۵، ص ۱۸۴.

۲۰. تفسیر الوسیط، ج ۱، ص ۷۶۹.

۲۱. تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۱۳۷.

۲۲. معانی الأخبار، ص ۲۰۸.

۲۳. احیاء علوم الدین، ج ۳، ص ۱۳۲.

۱۷. انفال، ۲۷.

۱۸. لسان العرب، ج ۱۳، ص ۲۱.



صادق(ع) عرضه داشتیم که آیا عورت مؤمن بر مؤمن حرام است؟ فرمود: بلی. گفتم: منظور دو عضو جنسی اوست! فرمود: این چنین نیست که تو گمان کرده‌ای، بلکه منظور افشای اسرار اوست».^{۲۷} این روایت که از ناحیه اعتبارسنجی، حدیثی قابل اعتماد قلمداد می‌شود.^{۲۸} بیانگر آن است که هر انسانی دارای یک سری اطلاعات محرمانه و اسراری است که نه تنها حاضر به افشای آنها نیست، بلکه به دیگران نیز اجازه چنین کاری را نمی‌دهد و کتمان آنها را به عنوان حقی مسلم در راستای رعایت حریم خصوصی خویش می‌داند و روایت عبدالله بن سنان نیز دلیلی استوار بر این مدعاست؛ زیرا اینکه در روایت از اسرار مؤمن با عنوان «عورت» یاد شده است که لزوم پوشیدگی آن امری مرتکز در اذهان مردم است، بیان‌کننده آن است که این حق برای مؤمن وجود دارد که اسرار وی محفوظ مانده و در دسترس دیگران قرار نگیرد. بلکه این روایت با توجه به انحصاری که کلمه «انما» بیانگر آن است، عنوان عورت را منحصر در اسرار مؤمنین می‌داند. البته این امر بیانگر عدم لزوم پوشش اعضای جنسی نیست، چرا که پوشش این اعضا امری واجب به‌شمار می‌رود، بلکه روایت در مقام بیان آن است که این لزوم پوشیدگی نسبت به اسرار مؤمنین از اهمیت بالاتری نسبت به پوشیده‌بودن اعضای جنسی ایشان برخوردار است، چرا که افشای اسرار انسان ضرر و آسیب بیشتری را متوجه فرد می‌کند. محدث بحرانی در این زمینه می‌نگارد: «انحصار به‌کاررفته در روایت به این معناست که حکم حرمت نسبت به افشای اسرار مؤمنین از شدت بیشتری برخوردار است، چرا که آسیبی که از سوی افشای اطلاعات و اسرار متوجه انسان می‌گردد از آسیب عدم پوشش اعضای بدن به مراتب بیشتر است. علاوه بر آن که حکم حرمت بیان‌شده برای افشای اسرار مؤمنین دلیل دیگری برای

محرمانه اسرار دانسته و مشکلات خویش را با وی در میان می‌گذارد و در این راستا اطلاعات و شرح حال درخواستی پزشک را در اختیار وی قرار می‌دهد تا به این وسیله کادر درمانی را در رفع مشکل یاری نماید، چرا که بدون بیان این اطلاعات درمان وی ممکن نخواهد بود، همان‌گونه که حضرت علی(ع) فرمودند: «هر که درد درون خویش را پنهان کند، پزشک از درمان وی ناتوان می‌شود».^{۲۴} نکته شایان توجه اینکه اسناد پزشکی در برخی موارد دربردارنده محتویات مهمی مانند اطلاعات ژنتیکی اشخاص است که از محرمانگی ویژه‌ای برخوردار است، به طوری که حتی نزدیکترین افراد خانواده وی نیز از آن بی‌اطلاع هستند، از این رو می‌توان گفت ارائه اطلاعات توسط بیمار بر پایه اعتماد بوده و به عنوان امانتی گران‌بها در نزد پزشک قلمداد می‌شود که به دستور آیه شریفه نباید در حفظ آن سستی صورت گیرد.

۲) روایات

در راستای اثبات حق بیمار بر وجوب محرمانگی اطلاعات پزشکی از روایات متعددی می‌توان بهره برد. الف) لزوم پرهیز از افشای اسرار دیگران در جوامع حدیثی بر حفظ رازداری و تعهد به محرمانگی اسرار، تأکید بسیار شده است، به گونه‌ای که می‌توان از این اصل به عنوان عوامل مؤثر در آرامش و انسجام جامعه یاد کرد. گستره روایات واردشده و اهتمام شریعت در این زمینه به اندازه‌ای است که برخی از نویسندگان افشای اسرار دیگران را از گناهان کبیره به حساب آورده‌اند^{۲۵} و برخی نیز با در نظر گرفتن این گستره روایی با عبارت «اتفق الشرعیون علی تحریم افشاء الاسرار»^{۲۶} از آن یاد کرده‌اند. در این میان روایت عبدالله بن سنان از جمله روایاتی است که صریحاً بر این امر دلالت دارد؛ وی می‌گوید: «بر امام

۲۴. غرر الحکم و درر الکلم، ص ۶۲۶.

۲۵. الزواجر عن اقتراف الکبائر، ج ۲، ص ۵۸۱.

۲۶. احترام الحیاة الخاصة، ص ۳۰۵.

۲۷. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۳۷.

۲۸. مجمع الفائده و البرهان، ج ۱۲، ص ۳۵۰.



وجود این حق به‌شمار می‌رود؛ زیرا در روایت از این عمل با عنوان «حرام» یاد شده که در صورت ارتکاب مجازات الهی را در پی دارد و این عقوبت گویای آن است که حقی از حقوق مؤمن - کتمان اسرار وی - تضييع شده است. در این میان نیز فقیهانی همچون امام خمینی با استناد به روایت مذکور رعایت این حق را از شئون مؤمن دانسته و افشای اسرار وی را دارای مبعوضیت ذاتی می‌دانند، به این معنا که وقوع این عمل در خارج از سوی هر شخصی، غضب الهی را در پی دارد. بر همین اساس ایشان معتقد است: گوش کردن به این اسرار نیز در صورتی که باعث افشای آن در نزد مستمع شود، عملی حرام به‌شمار می‌رود. در نتیجه هنگامی که سامع بداند که متکلم قصد افشای اسرار کسی را دارد، بر وی واجب است از آن جلوگیری نماید. سفارینی حنبلی نیز بر هر مکلفی افشاء یعنی نشر و اذاعه سر را حرام دانسته است. دامنه عدم جواز بیان اسرار دیگران به حدی است که برخی گفته‌اند: «در صورتی که سر از مواردی باشد که بیانش پستی و خواری را به همراه داشته باشد، بیان آن بعد از مرگ صاحب سر نیز جایز نیست.»^{۲۹}

محرمانه بودن اطلاعات پزشکی: اطلاعات و اسرار بیماری هر فردی برای وی جنبه محرمانگی دارد که نه تنها اجازه افشای آن را به کسی نمی‌دهد بلکه با عامل انتشار نیز برخورد شدیدی به عمل می‌آید، بر همین اساس در برخی مواقع که اشخاص از لحاظ سلامتی با مشکل روبه‌رو می‌شوند، ناگزیر برای به‌دست‌آوری سلامتی خود اطلاعاتی را در اختیار کادر درمانی قرار می‌دهند و این عمل نیز بر پایه اعتماد و رازپوشی است، بنابراین با عنایت به آنچه گذشت پرسنل درمانی و وظیفه حفاظت از این اطلاعات را بر عهده داشته و جز در موارد لازم مجوز انتشار و افشای آن را ندارد.

ب) امانت‌بودن اسرار

امام باقر(ع) از پیامبر خدا(ع) نقل می‌فرمایند که آنچه

در مجالس گفته می‌شود، امانت است.^{۳۰} روایت از منظر اعتبارسنجی روایتی قابل اعتماد است.^{۳۱} این روایت به گونه‌های مختلفی در مجامع روایی شیعی و سنی نقل شده است که در مجموع، خبرهای یادشده، از «امانت‌بودن مجلس گفت‌وگو» حکایت دارند و اینکه نقل خبرهایی که در یک مجلس و یا میان دو نفر رد و بدل می‌شود، باید آنها را پوشیده داشت؛ حتی اگر تصریح به رازداری از سوی کسی نشود.^{۳۲} به بیان دیگر، کاربرد امانت نسبت به محتوای مجالس به معنای آن است که افراد دارای این امتیاز و حقد که مطالب بیان‌شده توسط ایشان به طور وسیع در میان جامعه منتشر نشده و محفوظ باشد. با در نظر گرفتن این که روایت به طور مطلق از افشای اسرار مجالس بدون رضایت اهل آن نفی کرده است، می‌توان به این نتیجه رسید که بیان اسرار و مواردی که در نزد جامعه با عنوان امانت از آنها یاد می‌شود، خیانت تلقی شده و حرام است.^{۳۳} در این راستا، عظیم‌آبادی از نویسندگان اهل سنت نیز می‌نگارد: «صاحب مجلس باید امین شنیده‌ها و دیده‌ها باشد و آنها را نگه دارد.»^{۳۴} از این رو بر کسی از اهل مجلس روا نیست که سری دیگری که افشاشدن آن را خوش نمی‌دارد، برملا نماید. مناوی بعد از نقل روایتی که بیانگر امانت‌بودن مجالس است، با برداشتی از کلام بیهقی می‌نویسد: «وی بر آن است که این حدیث دلالت بر لزوم محرمانگی راز برادر مسلمان و تأکید بر حفظ اسرار وی به خصوص از اشرار دارد. بنابراین، باید در امانتی که به انسان سپرده شده، مراقبت نمود و با افشای آن، حق دیگری را تباه نکرد، تا مبدا مخالف آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا»^{۳۵} شود؛ در غیر این صورت،

۳۰. الکافی، ج ۲، ص ۶۶۰؛ سنن أبی‌داود، ج ۴، ص ۲۶۸؛ کنز العمال، ج ۹، ص ۱۳۹.

۳۱. مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۱۲، ص ۵۶۲.

۳۲. رک: «نگاهی به حدیث المجالس بالامانة»، ص ۱۰.

۳۳. الفقه و مسائل طبیه، ج ۱، ص ۱۶۸.

۳۴. عون المعبود شرح سنن أبی‌داود، ج ۱۳، ص ۱۴۸.

۳۵. نساء، ۵۸.

۲۹. رک: فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج ۱۱، ص ۸۲.

فاش‌کننده حرف هم‌نشین، جزو ستمگرانی خواهد شد که در زمره خیانت‌پیشگان محشور می‌گردد؛^{۳۶} همان‌گونه که در روایتی خیانت بعد از اعتماد، از علایم نفاق بیان شده است.^{۳۷}

اسرار بیمار امانتی نزد پزشک: همان‌گونه که از روایات بیان شده واضح گردید، ترک خیانت در امانت از وظایف و حقوق انسانی است، یعنی حتی اگر صاحب امانت مسلمان هم نباشد، نمی‌توان در امانت او خیانت کرد.^{۳۸} از این رهگذر مطالبی که میان افراد به عنوان اسرار بیان شده است از مصادیق حریم خصوصی بوده و لازم است که در حفظ آن دقت نمود؛ چرا که به این وسیله امنیت اشخاص محفوظ می‌ماند. بر این اساس پزشک در فرایند درمان به اسرار و اطلاعاتی از بیمار دست می‌یابد که جنبه محرمانه داشته و تنها با توجیه اثرگذاری در فرایند درمان، مطرح گردیده است و هیچ‌گونه رضایتی در افشای آن نیست، بنابراین مطالبی که در پرونده وی جمع‌آوری شده است به منزله امانتی در نزد کادر درمان قلمداد می‌گردد، که اطلاع از آن به واسطه حرفه پزشکی بوده است،^{۳۹} که بر اساس آنچه بیان شد لازم است، اقدامات لازم در حفظ آن صورت پذیرد و کادر درمان نمی‌توانند نسبت به افشای آن اقدام نمایند.

ج) ممنوعیت غیبت

یکی از امتیازاتی که برای مؤمنین در نظر گرفته شده، لزوم کنتمان اموری است که ایشان از افشای آن ناخشنود می‌گردند که در صورت به‌وقوع پیوستن، از آن با عنوان غیبت یاد می‌شود. از این رو، «غیبت آن است که انسان پشت سر کسی عیبی که پنهان است، را بیان کند». خویی نیز می‌نگارد: «غیبت آن است که در مورد برادرت چیزی بگویی که خداوند آن را

پوشانده است.»^{۴۰} دستورهای الزام‌آوری که در گستره غیبت وارد شده، بیانگر آن است که مستوربودن نقصها، عیبا و ممنوعیت انتشار آنها در حضور دیگران از حقوق مؤمن است و وجود مجازاتهای متعددی که در خصوص ارتکاب این عمل وارد شده است، همگی نشانی از شدت اهتمام خداوند متعال به این حق انسان است.^{۴۱} از این رو، غیبت در نزد فقیهان امامیه و اهل سنت عملی حرام بوده و حتی برخی از مفسرین اهل سنت آن را از گناهان کبیره قلمداد کرده‌اند. در روایتی از رسول خدا(ص) چنین نقل شده است: «شب معراج بر گروهی گذر کردم که صورتهای خود را با ناخن می‌خراشیدند. از جبرئیل پرسیدم: اینان چه کسانی هستند؟ گفت: ایشان غیبت مردم را می‌کردند و آبروی آنها را می‌ریختند.»^{۴۲}

در مواظظ امیرالمؤمنین(ع) به نوف آمده است: «از غیبت اجتناب کن؛ زیرا غیبت خورش (غذای) سگهای جهنم است، سپس فرمود: ای نوف! دروغ گفته آنکه گمان دارد حلال‌زاده است و به وسیله غیبت کردن گوشت مردم را می‌خورد.»^{۴۳} در این روایت تعبیر شدیدی نسبت به غیبت و افشای اسرار شخص برای اطرافیان مطرح شده است. در ابتدای روایت دستور به ترک غیبت داده و از عملکرد دو شخص که مشغول بدگویی از مؤمنی هستند با عنوان خورش اهل دوزخ یاد شده است که تجسمی از زشتی و حرمت آن است و از طرفی نیز در انتهای روایت ترک غیبت را از لوازم حلال‌زاده بودن معرفی نموده است که بیانگر اهمیت بالای حق مستوریت عیوب و اسرار مؤمنین است، زیرا شخصی که مشغول تعدی به حریم شخصی دیگران است، در واقع شاکله وی بر بنای درستی بنیان نهاده نشده است و بر اساس چنین طینت بدی، غذای

۴۰. موسوعه الامام خوبی، ج ۳۵، ص ۵۰۰.

۴۱. همان، ص ۴۹۰.

۴۲. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۲۲۲؛ سنن أبي داود، ج ۴، ص ۲۶۹؛ کنز

العمال، ج ۳، ص ۵۸۷.

۴۳. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۸۳.

۳۶. فیض‌التقدیر شرح الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۷۲۱؛ «نگاهی به حدیث المجالس بالامانة»، ص ۲۱.

۳۷. صحیح البخاری، ج ۱، ص ۲۱.

۳۸. تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۱۳۸.

۳۹. الموسوعه الفقهیه الكويتیه، ج ۵، ص ۲۹۴.





خود را از خوردن گوشت بدن دیگران تأمین می نماید. با عنایت به آنچه گذشت، روشن می شود که غیبت یکی از راههای مرتبط با نقض حریم خصوصی است، چرا که اشخاص غالباً از نقل عیوب و مطالب پوشیده و پنهان خود ناراحت و رنجیده خاطر می گردند. غیبت در متون دینی از چنان مبغوضیتی برخوردار است که گستره روایی زیادی را به خود اختصاص داده است، به گونه ای که از زوایای مختلفی به تقبیح این معضل اجتماعی پرداخته شده است، که خود حاکی از منفور بودن چنین عملی است.

افشای اطلاعات پرونده بیمار و غیبت وی: ابتلا به برخی از بیماریها در میان جامعه نوعی عیب و نقص به شمار می رود که در صورت اطلاع آشنایان موجب تنقیص بیمار خواهد بود و بر این اساس بیمار راضی به انتشار آنها نیست، مخصوصاً در مواردی که این افشا به کشف عیبی روحی و یا جسمی در او بینجامد که علاوه بر ایجاد موجبات ناراحتی وی، مشکلات دیگری را نیز در تعاملات اجتماعی رقم می زند. بدین منظور انتشار مواردی این چنینی از مصادیق بارز غیبت بوده و عملی مخالف حق بیمار و حرام است.

د) لزوم پرهیز از تضعیف جایگاه اجتماعی از دیگر مستنداتی که برای لزوم حفظ پرونده اطلاعات بیمار می توان به آن استناد کرد روایاتی است که بیانگر لزوم احترام و ممنوعیت اهانت به مؤمن است. اهانت به معنای کوچک شمردن، تحقیر، سبک کردن و هتک است.^{۴۴} این عنوان در کتب قواعد فقهی تحت عنوان قاعده حرمت اهانت محترمانه و به مناسبت در بابهای مختلف فقهی آمده است. در متون فقهی اهانت و استخفاف آنچه در شرع محترم است، حرام می باشد. در این راستا، انسان مؤمن از مصادیقی است که از جایگاه ویژه ای در شرع مقدس برخوردار است به گونه ای موضوع بسیاری از آیات و روایات به بررسی احکام و ویژگیهای این خلیفه الهی اختصاص یافته که

در قالب حقوق متعدد وی مطرح شده است. عزتمندی یکی از همین اوصاف و امتیازاتی است که در این زمینه برای انسان مؤمن بیان شده است که بیانگر لزوم محترم بودن وی در میان جامعه است و هر امری که بخواهد این حق را خدشه دار نموده و وی را تحقیر و یا سبک نماید، نکوهش شده است. از این رو، مسلم در صحیح خود روایتی جامع از رسول خدا(ص) نقل کرده است که حاوی حقوق متعددی است؛ در این روایت رسول خدا(ص) می فرماید: «به یکدیگر حسادت نوزید، همدیگر را فریب ندهید، بغض و کینه را رها نمایید، با هم قهر ننموده و برخی از شما بر معامله برخی دیگر معامله نشود. بندگان الله و برادران یکدیگر باشید. مسلمان برادر مسلمان است، به او ظلم نمی کند و او را بدون یاری در زمان مشکلات رها نمی کند. به او دروغ نمی گوید و تحقیرش نمی سازد و در حالی که رسول الله(ص) سه بار به سوی سینه اش اشاره می نمودند (فرمودند): تقوا و پرهیزگاری اینجاست، برای شخص از بدی (همین قدر) کافی است که برادر خودش را تحقیر نماید، تمام مسلمان بر مسلمان (دیگر) حرام است: (ریختن) خونش و (خوردن) مالش و (تعرض به) آبرویش. یکی از مسائل مهم در این دستور جامع پیامبر(ص) پرهیز از تحقیر کردن مسلمان است. در روایتی دیگری ابی بصیر می گوید که به امام باقر(ع) گفتم: «مردی از اصحاب ما از گرفتن زکات حیا می کند. (آیا می توانیم) زکات را به او بدهیم بدون آنکه اسمی از آن ببریم؟ امام(ع) فرمود: زکات را به او بده؛ و نامی نیز از آن نبر تا مؤمن ذلیل و خوار نشود.»^{۴۵} این روایت که دارای سندی صحیح است بیانگر آن است که شخص با توجه به روحیات و یا جایگاه اجتماعی خود از دریافت زکات حیا دارد و آن را امری منافی با عزت و شأن خود می داند. امام(ع) نیز با رعایت حق او به پرداخت زکات دستور داده و از بردن نام آن منع می نمایند، چرا که این کار باعث خواری شخص مورد

۴۵. الکافی، ج ۳، ص ۵۶۳.

۴۴. لسان العرب، ج ۳، ص ۴۳۹؛ مجمع البحرین، ج ۳، ص ۳۳۱.

نظر شده که منافات با حقوق اجتماعی وی دارد و در پایان نیز از خوارکردن انسان مؤمن نفی فرموده است که حاکی از عزتمندبودن وی است. ابن حبان از فقیهان حنفی نیز معتقد است که نباید به وسیله افشای سر موجب هتک آبروی دیگران شد.

افشای اطلاعات بیمار و هتک آبروی وی: در زمینه امور درمانی در برخی موارد فرد مبتلا به نوعی از بیماری است و یا اینکه پرونده وی حاوی اطلاعاتی است که در صورت افشا و اطلاع اطرافیان و جامعه علاوه بر این که باعث خوارشدن فرد گردیده و به این وسیله اسباب آبروریزی وی فراهم می‌شود، موجب پنهان‌کاری از سوی بیمار می‌شود و این عدم اعتماد به پزشک باعث بروز مشکلاتی از جمله عدم درمان شده و احتمال شیوع بیماریهای مسری را فراهم می‌سازد. بنابراین از آنجایی که بیمار باید بیماری خود را اظهار نماید و نیز در راستای حق محرمانه‌بودن اسرار وی باید شرایط لازم برای ایجاد امنیت خاطر وی از سوی پزشک و اعضاء کادر درمان فراهم شود.

هـ) ممنوعیت آزار رساندن

در مفاهیم اسلامی از آزار رساندن به دیگران در ضمن قول یا عمل با عنوان ایذاء یاد شده است،^{۴۶} بر این اساس از ادله‌ای که به طور غیرمستقیم بر لزوم حق محرمانگی اطلاعات پزشکی بیمار دلالت دارد روایاتی است که از آزدن مؤمنین نهی نموده است. این احادیث متواتر و بلکه مافوق تواتر^{۴۷} دربردارنده یکی از مهمترین حقوق اجتماعی انسان است و نسبت به کسانی که در مقام آزار مؤمنین برمی‌آیند هشدار داده و ایشان را از این عمل زشت بر حذر می‌دارد. وجود مجازاتهای سنگین در صورت عدم مراعات این

امر خود به روشنی حاکی از وجود «حق ایمن بودن» انسان در مقابل آزار دیگران است. هشام بن سالم از امام جعفر صادق(ع) نقل می‌کند که «خدای عز و جل فرموده است: هر که بنده مؤمن را برنجاند،

۴۶. رک: عمدة القاری شرح صحیح البخاری، ج ۱۹، ص ۱۶۷.

۴۷. مهذب الاحکام، ج ۱۵، ص ۲۲۲.

باید که عالم گردد به جنگی که از جانب من صادر شود و بداند که هر که بنده مؤمن مرا گرامی دارد، از خشم من ایمن باشد.^{۴۸} بر اساس این روایت صحیح یکی از ویژگیهای انسان مؤمن محفوظماندن وی از آزار دیگران است و این امر به اندازه‌ای اساسی است که هتک حرمت وی به منزله اعلان جنگ با خداوند متعال بیان شده است. در مجامع اهل سنت در بخشی از یک روایت که از رسول خدا(ص) نقل شده، نیز چنین آمده است: «هرکس با دوستان من دشمنی کند، من با او اعلام جنگ می‌نمایم.»^{۴۹} بنابراین احادیث در مقام بیان آن است که رعایت حقوق مؤمنین از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، به نحوی که اگر در اثر رعایت‌نشدن آنها موجبات ناراحتی و آزار وی فراهم شود، مشمول روایت فوق خواهد بود. از این رهگذر ایذاء به عنوان عملی حرام قلمداد شده است^{۵۰} به گونه‌ای که صاحب جواهر از حرمت ایذاء و اضرار مؤمن تحت عنوان قاعده یاد نموده^{۵۱} و می‌افزاید: دلالت چهارگانه بر حرمت آزار مؤمن و اهانت و ظلم کردن به او در نفس، مال و آبرو دلالت دارد.^{۵۲} یحیی بن شرف نووی از فقیهان شافعی هم با ادعای کثرت احادیث در این باب، افشای اسرار در فرض اضرار و ایذاء را امری حرام می‌داند.^{۵۳}

افشای اطلاعات بیمار و آزدن وی: با عنایت به آنچه گذشت می‌توان گفت که در برخی از مواقع پرونده بیمار حاوی اطلاعات مهمی است که برای وی جنبه حیاتی دارد که بعد از افشا و انتشار عمومی آن باعث ناراحتی و آزار وی می‌شود که از چنین عملی نهی شده است^{۵۴} و حتی ممکن است دستمایه دیگران شده و به اهرمی برای فشار تبدیل شود و از این روست که

۴۸. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۶۴.

۴۹. صحیح البخاری، ج ۵، ص ۲۳۸۴.

۵۰. احیاء علوم الدین، ج ۳، ص ۳۱۷.

۵۱. جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۳۷۸.

۵۲. همان، ج ۲۲، ص ۷۴.

۵۳. کتاب الاذکار، ص ۴۶۴.

۵۴. همان، ص ۱۳۲.





مردم اطلاعات حائز اهمیتی را که در صورت افشاشدن ممکن است در دسرها و یا خساراتی را برای آنها ایجاد کند از عموم پنهان می‌دارند. بر همین اساس با توجه به روایاتی که در ممنوعیت آزار مؤمنین بیان شد پرهیز از چنین عملی لازم است مخصوصاً با توجه به مجازاتهایی که در روایات بیان شده بود.

عدم جواز شکستن سوگند پزشکی: سوگند که در عربی با واژه‌های «حلف»، «قسم» و «یمین» از آن یاد می‌شود، کاربردهای متفاوتی دارد که وجه مشترک آنها را می‌توان چنین تبیین کرد: «تأکید بر سخنی یا کاری همراه با ذکر مقدسات». ماده ۲۰۱ قانون مجازات اسلامی سوگند را چنین تعریف می‌کند: «سوگند عبارت از گواه قراردادن خداوند بر درستی گفتار اداکننده سوگند است». در ادبیات فقهی، سوگند انواع مختلفی دارد که گاه از منظر حکم تکلیفی (وجوب، استحباب، اباحه، کراهت و حرمت) و گاه از منظر حکم وضعی (صحت، تأثیر و نفوذ یا بطلان، عدم تأثیر و نفوذ) و اینکه سوگند با چه چیزی محقق می‌شود، مورد بحث واقع می‌شود.^{۵۵}

بر این اساس یکی دیگر از دلایل حرمت افشای اسرار بیمار، زیر پا گذاشتن تعهدی است که پزشکان در «سوگندنامه پزشکی» به رعایت موارد آن ملتزم می‌شوند. در بخشی از این سوگندنامه آمده است: «در پیشگاه قرآن کریم به خدای قادر متعال که دانای آشکار و نهان است، سوگند یاد می‌کنم که همواره حدود الهی و احکام مقدس دینی را محترم بشمارم... اسرار بیماران خود را به جز به ضرورت شرعی و قانونی فاش نسازم.»^{۵۶} صادق بودن در وعده و عهد از اوصاف فرد مؤمن بیان شده است و خیانت از منتهای وی به دور دانسته شده است؛ زیرا این امر حیات انسانی را با اختلال مواجه می‌سازد.^{۵۷} سوگند پزشکی

به لحاظ فقهی یکی از اقسام سه‌گانه سوگند است که در کتابهای فقهی به «یمین العقد» مشهور است^{۵۸} که به معنای سوگندی است که برای انجام و یا عدم ارتکاب امری در آینده یاد می‌شود و سوگندخورده به موجب آن نسبت به مفاد سوگند متعهد می‌گردد. در این نوع سوگند با اجتماع شرایط مربوط به آن، به اجماع همه فقهای شیعه، بلکه به ضرورت فقه امامیه^{۵۹} اطاعت و وفا به آن واجب است و مخالفت آن حرام است^{۶۰} و بر حث و مخالفت آن، کفاره مترتب می‌شود.^{۶۱} بنابراین پزشکی که متعهد شده حقوق بیماران را رعایت کند و اسرار آنها را فاش نکند، در صورتی که توجیه مناسب شرعی یا قانونی برای افشای اسرار نداشته باشد، افزون بر ارتکاب معصیت، ملزم به پرداخت کفاره نیز می‌شود.^{۶۲} ممنوعیت انتشار بی‌اعتمادی و شیوع بیماری در جامعه: وجود اعتماد در میان جامعه یکی از سرمایه‌های مهم و بنیادین به‌شمار می‌رود به طوری که هرگونه قول و فعلی که موجب شود تا اعتماد اجتماعی میان افراد سست شود، به‌عنوان مهمترین عامل ضدا اجتماعی قلمداد شده و با آن مبارزه و مقابله می‌شود. از این رو، عدم توجه پزشکان و سایر کادر پزشکی به موضوع رازداری سبب سلب اعتماد بیماران، افراد در معرض خطر و حتی جامعه نسبت به پزشکان و جامعه پزشکی می‌شود و موجب احساس تبعیض و عدم مراجعه آنان جهت دریافت خدمات بهداشتی درمانی به دلیل ترس از آشکار شدن بیماری و عواقب آن از جمله انگ‌زنی و ننگ‌انگاری را فراهم خواهد نمود. این شرایط نیز علاوه بر محروم نمودن بیماران و افراد در معرض خطر از حقوق انسانی متناسب و برابر با سایر افراد جامعه، سبب گسترش و شیوع بیماری در جامعه خواهد شد^{۶۳}

۵۸. جواهر الکلام، ج ۳۵، ص ۲۲۶.

۵۹. مهذب الاحکام، ج ۲۲، ص ۲۶۷.

۶۰. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۱۱.

۶۱. ر.ک: الموسوعه الفقهیه الکوئیتیه، ج ۷، ص ۲۹۲.

۶۲. «محرمانگی اسرار بیماران در آئینه فقه»، ص ۱۴۴.

۶۳. «ضرورت رعایت اصول اخلاقی در بیماران مبتلا به HIV»، ص ۹۹.

۵۵. «سوگند در دعاوی بین‌الادیانی و بین‌المللی در فقه امامیه و حقوق ایران»، ص ۵.

۵۶. اخلاق پزشکی، ص ۲۷۹.

۵۷. الأدب النبوی، ص ۱۵۸.



و چنین عملی را می‌توان از مصادیق اشاعه فحشا به‌شمار آورد که در قرآن کریم از آن نهی شده است. در آیه ۱۹ سوره نور آمده است: «کسانی که دوست دارند که زشتکاری در میان آنان که ایمان آورده‌اند، شیوع پیدا کند، برای آنان در دنیا و آخرت عذابی پردرد خواهد بود، و خدا [ست که] می‌داند و شما نمی‌دانید». این آیه شریفه بیانگر یکی از حقوق اساسی جامعه مؤمنین به عنوان سلامت جامعه است. بر این اساس هر اقدامی که موجب آلودگی جامعه شود (مانند ترویج بی‌اعتمادی) به عنوان امری است که وعده مجازات و آتش به عوامل آن داده شده است و این امر به اندازه‌ای در نظر خداوند اهمیت دارد که در آیه شریفه نمی‌فرماید: «کسانی که اشاعه فحشاء دهند»، بلکه می‌گوید: «دوست دارند که چنین کاری را انجام دهند» و این نهایت تأکید در این زمینه است. بر همین اساس برخی از محققین معتقدند که مفسران قرآن مجید با در نظر گرفتن روایتهای رسیده از ائمه معصومین (ع) گفته‌اند منظور از «اشاعه فحشاء» در متن آیه شریفه همانا «افشاگری عیوب و اسرار مردم و غیبت‌کردن» آنان است. چون که غیبت دیگران، بیان اسرار، عیوب، گناهان و لغزشهای افراد برای دیگران، عین انتشار و اشاعه فحشاء است.^{۶۴} شایان ذکر آنکه اعتماد بیمار به کادر درمانی از چنان جایگاهی برخوردار است که برخی از نویسندگان اساس التزام پزشک به رازداری را رکن اصلی حرفه پزشکی قلمداد کرده و خدشه‌دار شدن این مهم را به عنوان عاملی ویرانگر برای این حرفه معرفی می‌نمایند.^{۶۵}

بررسی فقهی گستره حق محرمانگی مدارک پزشکی

اصل در سر کتمان است^{۶۶} و بر همین اساس رازداری به عنوان یک قاعده عقلایی، شرعی و قانونی مطرح است که به تبع آن افشای اسرار امری نامشروع خواهد بود. این مهم در حیطه پزشکی که با انبوهی از اطلاعات اساسی بیمار در ارتباط است، اهمیتی دوچندان دارد به طوری که می‌توان گفت یکی از حقوق بنیادین بیمار حق محرمانگی اطلاعات و اسرار بیماری وی است؛ در نتیجه رازداری یک اصل کلی است و پزشک را متعهد می‌سازد اسرار بیماران را به هر طریقی نزد اشخاصی که صلاحیت دسترسی و آگاهی از اطلاعات موردنظر را ندارند، فاش نکند. شایان ذکر است که رازداری در عرف پزشکی محدود به زمان خاصی نیست؛ به طوری که یکی از مؤلفین اخلاق پزشکی در خصوص نامحدود بودن زمان

۶۴. مبانی فقهی حکومت اسلامی، ج ۴، ص ۲۸۶؛ موسوعه الاخلاق، ج ۱، ص ۱۸.

۶۵. السر الطبی بین الأطباء و الفقهاء، ص ۸۶۷.

۶۶. فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج ۱۱، ص ۸۰.



رازداری چنین می‌گوید: «حدود رازداری پزشک از زمان پذیرفتن بیمار برای معاینه آغاز می‌شود و پایان هم ندارد، یعنی در جریان درمان و پس از خاتمه درمان و حتی پس از مرگ بیمار نیز ادامه دارد.»^{۶۷} بنابراین اگر افشاء راز بیمار موجب ورود ضرر، اعم از مادی یا معنوی به بیمار شود، بدون توجه به داشتن یا نداشتن مسئولیت کیفری، مسئولیت مدنی پزشک را به دنبال دارد بدین معنا که موجب الزام پزشک به جبران خسارت ناشی از ضرری می‌شود که در نتیجه افشای راز به بیمار وارد شده است، زیرا پزشک به‌طور ضمنی و تلویحی تعهد به حفظ اسرار و اطلاعات دارد و افشاء آن، نقض تعهد است. نکته قابل توجه در این میان آن است که اگرچه حریم خصوصی بیمار حقی بنیادین و نشأت گرفته از کرامت انسانی و واجد ارزش اساسی است اما امکان تعارض آن با منافع دیگر اعم از خصوصی و عمومی منتفی نبوده و لذا هرگز نمی‌توان آن را به‌عنوان حقی مطلق و بدون محدودیت و استثناء تلقی نمود.^{۶۸} از این رو، در مواردی می‌توان آن را نقض کرد، بلکه در شرایطی نقض آن امری واجب به‌شمار می‌رود. علت این امر از نگاه اخلاق اسلامی، مصلحت‌اندیشی اسلام و رعایت تعادل در ملاحظات اخلاقی در دو سطح اجتماعی و فردی است؛ در اخلاق پزشکی نیز تعهد پزشک به حفظ تعادل بین تأمین منافع درمانی - بهداشتی فرد و جامعه او را ملزم به حفظ رازداری یا افشای آن می‌کند.^{۶۹} بر این اساس استثنائات وارد بر قاعده حفظ اسرار در مسئولیت مدنی پزشک از این نظر اهمیت دارند که موجب سلب مسئولیت از آنها و توجیه پذیرش عمل افشاکننده راز می‌شود؛ زیرا افشای سر در این موارد

نه تنها ممنوع نیست بلکه الزامی می‌باشد^{۷۰} و به‌نوعی می‌توان این موارد را از موارد رافع مسئولیت برای افشاکننده دانست و از همین رو، از موارد استثناء به «علل موجهه جرم» تعبیر می‌شود.^{۷۱} این استثنائات در دو محور خاص و عام قابل پیگیری است.

۱) مصلحت خاص

الف) رضایت بیمار

از مواردی که پزشکان می‌توانند اطلاعات محرمانه بیمار را افشا کنند، جایی است که خود بیمار به این امر رضایت داده باشد، زیرا کسی که ممکن است از افشای اسرار صدمه ببیند خود بیمار است و رضایت او برای افشای اسرار کفایت می‌کند و نیاز به هیچ توجیه قانونی یا منطقی دیگری نیست.^{۷۲} به دیگر سخن در حقوق کیفری، رضایت فرد در مورد افشای راز، وصف مجرمانه را از عمل پزشک سلب خواهد کرد.^{۷۳} با نگاهی به جوامع روایی می‌توان به نصوصی دست یافت که مفاد آنها تأیید جواز افشا با اجازه صاحب سر است؛ به طور مثال در روایتی از امام باقر(ع) آمده است: «مجالس امانت هستند. کسی حق ندارد سخنی را که دوستش برای او گفته و آن را از دیگران کتمان کرده، جز با اجازه او بگوید، مگر به شخص مورد اعتماد و یا ذکر خیر دوستش باشد^{۷۴} و منشأ این حق نیز ولایتی است که انشان بر خود دارد. باید توجه داشت که اذن، مقید به محدوده مورد رضایت بیمار، میزان و شرایطی است که وی مشخص می‌نماید. بیمار است که زمان، میزان، مخاطبین افشای اطلاعات و مصادیق کاربرد آنها را معین نموده و حق انصراف از رضایت مذکور را نیز دارد؛ همان‌گونه که قاعده عقلایی «لکل ذی حق اسقاط حقه؛ هر صاحب حقی می‌تواند حق خویش را ساقط کند» بر این امر دلالت دارد. در

۷۰. «مسئولیت مدنی ناشی از افشای اسرار پزشکی در حقوق ایران و کامن‌لا»، ص ۱۱۱.

۷۱. «مجرمانگی اسرار بیماران در آئینه فقه»، ص ۴۲۰.

۷۲. همان، ص ۱۱۳.

۷۳. «مطالعه تطبیقی رازداری پزشکی در بیماریهای مقاربتی»، ص ۹۲.

۷۴. الکافی، ج ۲، ص ۶۶۰.

۶۷. به نقل از: «رازداری؛ حق بیمار و مسئولیت مدنی پزشک»، ص ۲۰۹.

۶۸. «تعارض و توازن منافع در حفظ حریم خصوصی و افشای اطلاعات ژنتیکی بیماران»، ص ۹۴.

۶۹. «رازداری پزشکی؛ مطالعه تطبیقی میان اصول اخلاق پزشکی و آموزه‌های اخلاق اسلامی»، ص ۵۰.



فرضی که حدود افشای اطلاعات توسط شخص بیمار مشخص نشده باشد، عرفاً باید حد متعارف را ملحوظ نظر قرارداد و در تفسیر متعارف بودن نیز بایستی به قدر متیقن بسنده نمود.^{۷۵} شایان ذکر است حتی در جوامعی که بنیادهای خانواده به گونه‌ای است که اطلاع اعضای خانواده سبب همراهی و حمایت آنان و کاهش آلام بیماری می‌گردد، باید با رضایت شخص بیمار و حتی از زبان خود بیمار نسبت به بیان بیماری اقدام نمود.^{۷۶} در پایان تأکید بر این نکته لازم است که محدوده حق رضایت برای بیمار نیز در شریعت معین است به طوری که وی نمی‌تواند از رهگذر این حق و ولایت بر خلاف کرامت انسانی خویش رفتار کرده و موجبات ذلت و بی‌آبرویی خویش را فراهم سازد.^{۷۷} و فقیهان متعددی بر همین اساس رضایت شخص را برای افشای معاصی انجام‌شده ناکافی می‌دانند.^{۷۸}

ج) دفاع از بیمار
یکی دیگر از مواردی که می‌توان از آن به‌عنوان مجوزی برای بیان اطلاعات پزشکی بیمار سخن به میان آورد، دفاع از خود بیمار است، همان‌گونه که در توصیه‌های شورای پزشکی آمده است: «در صورتی که تشخیص پزشک بر این امر استوار شود که این امکان برای بیمار وجود دارد که قربانی جرایم فیزیکی، روانی یا جنسی شود یا فاقد اهلیت برای رضایت‌دادن به افشاست، لازم است که پزشک اطلاعات را در اختیار افراد مسئول قرار دهد.^{۸۱} بنابراین در زمان وجود شک به سوءاستفاده جسمی یا روانی از کودکان، به‌خصوص هنگامی که والدین نیز بیمار همان پزشک باشند، مسئله اصلی حفظ سلامت کودک است که باید مورد توجه قرار گیرد و در موارد تردید می‌توان از همکاران مجرب‌تر یا سازمانهای حمایت‌کننده کمک خواست.^{۸۲} و ارائه مدارک پزشکی در این مواقع امری قابل قبول قلمداد می‌شود. از دیگر مصادیق دفاع از بیمار مواردی است که بیمار در اثبات مدعای خود در دادگاه نیاز به شهادت پزشک دارد که در این موارد نیز لازم است اسرار مرتبط با اثبات مدعای بیمار نیز بلامانع خواهد

ب) دفاع از خود
پرونده پزشکی مدرکی دائمی و قانونی شامل اطلاعات کافی برای شناسایی بیمار است و توجیهی برای تشخیص، درمان و ثبت نتایج حاصل از آن است و ممکن است هرگونه اطلاعات آن در مراجع قضایی استفاده شود، در واقع پرونده‌های پزشکی در مراجع قانونی به‌عنوان نقطه عطف دعاوی گروههای ذی‌نفع هستند که از حقوق بیمار، کادر درمانی و بیمارستان حمایت می‌کنند و این امر موجب کسب مصونیت برای بیمارستان و کادر درمانی در مقابل دعاوی می‌گردد.^{۷۹} در این راستا در برخی مواقع پزشک در نوع درمان و یا کیفیت آن مورد اتهام واقع می‌شود که در این صورت با توجه به آنکه حق دفاع، از حقوق اساسی است که

۷۵. «لزوم محرمانه نگهداشتن اطلاعات ژنتیکی افراد بشر»، ص ۴۵.

۷۶. «ضرورت رعایت اصول اخلاقی در بیماران مبتلا به HIV»، ص ۹۹.

۷۷. امام صادق(ع) می‌فرماید: «خدای متعال همه امور را به مؤمن واگذار کرده است به‌جز خوارکردن خودش» (الکافی، ج ۵، ص ۶۳).

۷۸. رک: الفقه و مسائل طبیه، ج ۲، ص ۱۳.

۷۹. «قوانین و خط‌مشیهای مرتبط با افشای اطلاعات بهداشتی - درمانی به مراجع قضایی»، ص ۳۳۵.

۸۰. پزشکی قانونی، ص ۳۱.

۸۱. رک: «مسئولیت مدنی ناشی از افشای اسرار پزشکی در حقوق ایران و کامن‌لا»، ص ۱۱۶.

۸۲. «قوانین و خط‌مشیهای مرتبط با افشای اطلاعات بهداشتی - درمانی به مراجع قضایی»، ص ۳۴۰.



بود و به تعبیر محقق حلی در وجوب ادای شهادت هیچ خلافتی در میان اصحاب نیست. خوبی قائل به وجوب عینی آن شده و علت آن را نیز اطلاق ادله (آیات و روایات) ذکر کرده است. بدرالدین عینی در این باره می‌نویسد: «ستر و کتمان در مواردی که باعث از بین رفتن حق مدعا می‌شود، امری حرام است.»^{۸۳}

۲) حفظ مصالح عمومی و اجتماعی

یکی از موارد تعارض میان حقوق فرد و جامعه، موردی است که افشانکردن اسرار و اطلاعات پزشکی بیمار منافع عمومی و اجتماعی افراد جامعه را در معرض خطر قرار می‌دهد. در چنین شرایطی حفظ منافع عموم بر حفظ منافع بیمار پیشی می‌گیرد و پزشک باید منافع عموم را بر منافع بیمار ترجیح دهد. دلیل این امر نیز آن است که در برخورد مصالح اجتماعی با مصالح فردی، می‌بایست به قواعد باب تراحم رجوع کرده و نتیجه آن نیز تقدیم اهم بر مهم خواهد بود که قاعده‌ای عقلی است و مقتضای آن این است که در همه جا تبعیت از اهم لازم است و همه انسانهای عاقل آن را درک می‌کنند و به آن ملتزم می‌شوند؛^{۸۴} به بیان دیگر در فرض تراحم اهم با مهم که مبتنی بر مستقلات عقلی است، عقل به اخذ اهم به دلیل اهمیت آن و ترک مهم حکم می‌کند؛^{۸۵} به همین روش انسان به کمک ادراک عقل، مصالح و مفساد امور را تشخیص می‌دهد و هنگام تراحم در مصلحت با یکدیگر بهترین را برمی‌گزیند.^{۸۶} در روایتی از رسول خدا(ص) آمده است: «مجالس امانت هستند مگر سه مجلس، مجلسی که در آن خونی به ناحق ریخته شده باشد، مجلسی که در آن فحشایی صورت پذیرد و عرض کسی مورد تجاوز قرار گیرد. مجلسی که در آن

مال و ثروتی به ناحق غصب شود.»^{۸۷} بر این اساس درجایی که مواجهه با خطر به حدی است که اهمیتی بیش از منافع خصوصی بیمار (مبتنی بر محرمان بودن اطلاعات) وجود داشته باشد، در صورت امکان باید از فرد کسب رضایت نمود و اگر چنین امری میسر نباشد باید اطلاعات را در اختیار افراد ذی صلاح گذاشت. البته قبل از افشای اطلاعات (حتی در این مورد نیز) باید مراتب به اطلاع بیمار رسانده شود. اگر او ابتدا به افشای اطلاعات رضایت داد اما بعد از این امر امتناع کرد، باید دلایل او برای انجام این کار مشخص شود. در صورتی که بعد از بررسی و دلایل مزبور ه چنان افشای اطلاعات برای جلوگیری از ایراد زیان جدی، ضروری دانسته شد باید اطلاعات را در اختیار افراد مسئول قرارداد.

وهبه زحیلی از پژوهشگران معاصر نیز با این حدیث مشروعیت افشای سر برای حفظ نفس و نسل و مال را اثبات کرده و اضافه نموده که عموم این حدیث مجوز افشای اسرار برای مصلحت مشروع‌های که قانون و شرع آن را تأیید کرده است را در بر می‌گیرد، مصالحی که شامل دین، نفس، نفس و مال است. در ادامه به برخی از عناوینی که افشای اطلاعات بیمار با نگاه به مصلحت عمومی موجه جلوه داده شده، اشاره می‌شود. الف) جلوگیری از سرایت امراض مسری و خطرناک شیوع بیماریهای واگیردار با ماهیتی نوعاً کشنده تهدیدی علیه امنیت سلامت افراد تلقی می‌شوند. بنابراین شناسایی افراد بیمار، محدودسازی آنها کنترل بیماری و در نتیجه جلوگیری از انتشار آن در میان افراد جامعه، از مسائل مهم حوزه پزشکی است. از همین رهگذر یکی از موارد مصون بخش افشای اطلاعات بیمار به دیگران، ابتلای فرد به بیماری واگیردار است در این صورت می‌توان اطرافیان فرد را از وجود بیماری مطلع ساخت و این امر در صورتی که خود فرد به اطلاع‌رسانی اقدام ننماید، توسط

۸۳. البناية شرح الهداية، ج ۹، ص ۱۰۱.

۸۴. ولایت فقیه، ص ۲۴۵.

۸۵. الانصاف فی مسائل دام فیها الخلاف، ص ۴۲۳.

۸۶. «بررسی حدود مصلحت در حریم خصوصی در تعارض با مصالح

اجتماعی با رویکردی بر مبانی فقه اسلامی»، ص ۳۲.

۸۷. الامالی، ص ۵۳؛ مسند، ج ۳، ص ۳۴۲.

پزشک صورت می‌گیرد. در این حالت تهدید ناشی از نقض حریم خصوصی بیمار با خطر بزرگتری که همانا شیوع و سرایت آن بیماری به سایر افراد جامعه می‌باشد، توجیه می‌گردد و در نتیجه برای پزشک و یا مشاوران سلامت، تعهد جدیدی در تضاد با تعهد حفظ محرمانگی اطلاعات بیمار، به افشای بیماری به مراجع ذی‌صلاح سلامت و پیگیری و کنترل آن به‌وجود می‌آید.^{۸۸} برخی از نویسندگان در مستندسازی این اعلام به ادله‌ای همچون وجوب حفظ نفس محترمه و مذاق شارع بر حفظ جان مسلمان اشاره کرده‌اند.^{۸۹} در استفتائات برخی از مراجع نیز چنین آمده است: جوانی جهت ازدواج برای آزمایش به پزشک مراجعه می‌کند که پزشک وی را دچار بیماری مُسری می‌یابد و یا متوجه می‌شود که او معتاد است و در اینجا اگر پزشک واقعیت را برای دیگران که منتظر نتیجه آزمایش هستند بگوید، پرده از روی راز پنهان بیمار برداشته که قطعاً طبیب می‌داند برای بیمار تبعات سوئی به دنبال خواهد داشت و اگر نگوید همسر آینده وی دچار بیماری مُسری می‌شود و گرفتاریهایی پیدا می‌نماید و برای طبیب هم دچار دردسر ممکن است بشود بفرمایید تکلیف طبیب چیست؟ صافی گلپایگانی در پاسخ به این سؤال چنین مرقوم داشته‌اند: «اگر زن یا کسان زنی که می‌خواهند با او ازدواج نماید به پزشک مراجعه و با او مشورت می‌نماید باید به آنها بگوید و امانت در مشورت را رعایت نماید و الا اطلاع ابتدایی به آنها لازم نیست ولی دادن گواهی صحت مزاج (برخلاف واقع) جایز نیست.»^{۹۰} مکارم شیرازی نیز در پاسخ به سؤال مذکور می‌نگارد: «با توجه به اینکه این‌گونه آزمایشها نوعی مشورت با طبیب است کتمان کردن واقعیت، خیانت در مشورت محسوب می‌شود و باید

واقعیت را بگوید.»^{۹۱} بنابراین در صورتی که غرض از افشای مدارک پزشکی یک بیمار اطلاع‌رسانی به جامعه و جلوگیری از شیوع یک بیماری مسری باشد، مسئولیتی متوجه پزشک نخواهد بود^{۹۲} و از مواردی است که افشای سر‌مریض جایز است.

ب) احتمال صدمه‌زدن به جامعه و دیگران
گاهی پزشک با بیماری مواجه می‌شود که بعد از بررسی اوضاع وی متوجه قصد بیمار برای ضربه‌زدن به اشخاص می‌شود، در این صورت از نگاه قوانین برخی از کشورها لازم است که وی به مسئولین ذی‌ربط اطلاع‌رسانی نماید. نویسنده‌ای در این باره می‌نگارد: «در مواردی که حفظ منافع جامعه ایجاب کند و در واقع تهدیدی علیه امنیت عمومی، جان و سلامتی مردم یا برای جلوگیری از ورود ضرر به دیگری... پزشک می‌بایست در این موارد به صورت محرمانه به مراجع مربوطه اطلاع دهد. بنابراین در مواردی مانند این که رانندگی کردن برای بیمار خطرناک است، پزشک ملزم است که نام بیمار را گزارش دهد.^{۹۳} بر این اساس زبیدی حنفی می‌نگارد: «اگر کسی در مجلسی بگوید که می‌خواهد فردی را بکشد یا عمل منافی عفت را انجام دهد یا مالی را به ناحق غصب کند، بر سایرین جایز نیست که به کتمان این اسرار بپردازند، بلکه باید برای دفع ضرر و مفسده به افشای آن اقدام نمایند.»
با عنایت به آنچه گذشت به نظر می‌رسد اصل اولیه بر رازداری و عدم جواز انتشار عمومی اسرار بیماران است^{۹۴} و اما در برخی از شرایط که در قانون نیز به آن اشاره شده است، پزشک می‌تواند بر خلاف اصل مذکور اقدام نماید و این موارد نیز در برخی صورتها متناسب با رعایت مصلحت خود بیمار بوده و در برخی موارد نیز بر اساس مصلحت عمومی اجتماع صورت می‌گیرد.



۸۸. «تعارض و توازن منافع در حفظ حریم خصوصی و افشای اطلاعات ژنتیکی بیماران»، ص ۱۰۶.
۸۹. رک: حدود الواجبات الشرعية، ج ۳، ص ۲۱۱.
۹۰. استفتائات پزشکی، ص ۱۰۶.

۹۱. استفتائات جدید، ج ۱، ص ۴۷۶.
۹۲. رک: السر الطبی بین الأطباء و الفقهاء، ص ۹۰۳.
۹۳. «رازداری؛ حق بیمار و مسئولیت مدنی پزشک»، ص ۲۱۲.
۹۴. «محرمانگی اسرار بیماران در آئینه فقه»، ص ۱۳۳.

نتیجه‌گیری

مسئله رازداری یکی از ارکان مهم روابط پزشک و بیمار است که آموزه‌های دینی گواه این امر است. از این رو، افشای اسرار و اطلاعات پرونده درمانی بیمار از منظر فقیهان امامیه و اهل سنت گناه و عملی مجرمانه به‌شمار می‌رود. بنابراین بیمار حق مجرمانه‌ماندن کلیه اطلاعات هویتی در مورد وضعیت سلامت خویش، بیماری، کیفیت درمان و کلیه اطلاعات خصوصی دیگر را دارد. شایان ذکر است که این حق مجرمانگی امری مطلق نبوده و در برخی موارد قابل نقض است. به بیان دیگر اطلاعات مجرمانه فقط با رضایت بیمار یا در مواردی که صریحاً توسط قانون تعیین شده، قابلیت افشا را داراست، زیرا حفظ راز بیماران در راستای حفظ مصالح بیمار و جامعه خواهد بود.

کتابنامه

- قرآن کریم.
- احترام الحیاة خاصة، عبداللطیف الهمیم، دارعمار، ۲۰۰۴م.
- احیاء علوم الدین، محمد بن محمد غزالی، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
- اخلاق پزشکی، جمعی از پزشکان، تهران، معاونت امور فرهنگی وزارت بهداشت، ۱۳۷۰ش.
- استفتانات پزشکی، لطف‌الله صافی گلپایگانی، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ق.
- استفتانات جدید، ناصر مکارم شیرازی، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۴۲۷ق.
- الأدب النبوی، محمد شاذلی الحولی، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۲۳ق.
- الامالی، محمد بن حسن طوسی، قم، دارالثقافه، ۱۴۱۴ق.
- الانصاف فی مسائل دام فیها الخلاف، جعفر سبحانی، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۳۸۱ش.
- بحار الأنوار، محمدباقر بن محمدتقی مجلسی، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
- «بررسی حدود مصلحت در حریم خصوصی در تعارض با مصالح اجتماعی با رویکردی بر مبانی فقه اسلامی»، افتخار دانش‌پور، مجله فقه مقارن، شماره ۸، ۱۳۹۵ش.
- البنایة شرح الهدایة، محمد بدرالدین عینی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۰ق.
- پزشکی قانونی، صمد قضایی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ش.
- تحریر الوسیله، سید روح‌الله خمینی، قم، دارالعلم، بی تا.
- «تعارض و توازن منافع در حفظ حریم خصوصی و افشای اطلاعات ژنتیکی بیماران»، منا احمدی؛ علی متولی‌زاده اردکانی، مجله حقوق پزشکی، شماره ۱۶، ۱۳۹۰ش.
- تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش.
- تفسیر الوسیط، وهبه زحیلی، دمشق، دارالفکر، ۱۴۲۲ق.
- جواهر الکلام، محمدحسن نجفی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
- حدود الواجبات الشرعیة، محمدآصف محسنی قندهاری، قم، مؤلف، ۱۳۶۳ش.
- حریم خصوصی در حقوق کیفری اسلام، حسین آقابابایی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۶ش.
- حقوق کودک، غلامرضا پیوندی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰ش.
- «رازپوشی و حقیقت‌جویی»، مهرزاد کیانی، مجله علمی سازمان نظام پزشکی، شماره ۴، ۱۳۹۱ش.
- «رازداری؛ حق بیمار و مسئولیت مدنی پزشک»، علیرضا یزدانیان؛ مینا عبدالله‌زاده، مجله اخلاق



- پزشکی، شماره ۳۵، ۱۳۹۵ ش.
- «رازداری پزشکی؛ مطالعه تطبیقی میان اصول اخلاق پزشکی و آموزه‌های اخلاق اسلامی»، سعید نظری توکلی؛ نشرین نژادسروری، مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی، شماره ۷، ۱۳۹۱ ش.
- روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، محمود بن عبدالله آلوسی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
- الزواجر عن اقتراف الكبائر، احمد بن محمد ابن حجر هیشمی، بیروت، المكتبة العصرية، ۱۴۲۰ ق.
- السر الطبی بین الأطباء و الفقهاء، حامد بن مدّه جدعانی، كلية الدراسات القضائية و الأنظمة بجامعة أم القرى، ۲۰۱۵ م.
- سنن أبي داود، سليمان بن اشعث سجستانی، بیروت، المكتبة العصرية، بی تا.
- «سوگند در دعاوی بین الادبانی و بین المللی در فقه امامیه و حقوق ایران»، مصطفی دانش‌پژوه، مجله پژوهش‌های فقهی، شماره ۴، ۱۳۹۲ ش.
- صحیح البخاری، محمد بن اسماعیل بخاری، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۰۷ ق.
- صحیح مسلم، مسلم بن حجاج نیشابوری، بیروت، دارالجمیل، بی تا.
- «ضرورت رعایت اصول اخلاقی در بیماران مبتلا به HIV»، مهران سیف فرشد، مجله اخلاق پزشکی، شماره ۱۲، ۱۳۸۹ ش.
- عمدة القاری شرح صحیح البخاری، محمود بدرالدین عینی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- عون المعبود شرح سنن أبي داود، محمد شمس عظیم آبادی، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
- العین، خلیل بن احمد فراهیدی، قم، هجرت، ۱۴۱۰ ق.
- غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، قم، دارالکتاب الإسلامی، ۱۴۱۰ ق.
- فتح الباری شرح صحیح البخاری، احمد بن علی ابن حجر عسقلانی، بیروت، دارالمعرفة، ۱۳۷۹ ق.
- فلسفه حقوق، ناصر کاتوزیان، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۷ ش.
- فیض القدير شرح الجامع الصغير، محمد مناوی، قاهره، المكتبة التجارية الكبرى، ۱۳۵۶ ق.
- الفقه و مسائل طبیة، محمد آصف محسنی، قم، بوستان کتاب، ۱۴۲۴ ق.
- «قوانین و خط‌مشیهای مرتبط با افشای اطلاعات بهداشتی - درمانی به مراجع قضایی»، لیلا قادری نانس؛ محمدحسین یارمحمدیان؛ احمدرضا رئیسی؛ ناهید توکلی، مجله مدیریت اطلاعات سلامت، شماره ۳، ۱۳۹۰ ش.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
- کنز العمال، علی بن حسام‌الدین متقی هندی، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۱ ق.
- «لزوم محرمانه نگهداشتن اطلاعات ژنتیکی افراد بشر»، علیرضا میلانی‌فر؛ محمدمهدی آخوندی، مجله اخلاق در علوم و فناوری، شماره ۱ و ۲، ۱۳۸۶ ش.
- لسان العرب، محمد بن مکرم ابن منظور، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
- لغت‌نامه دهخدا، علی‌اکبر دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ ش.
- ماهیت و مبانی کلامی تکلیف، محمدهاشم مسعودی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۸ ش.
- مبانی فقهی حکومت اسلامی، حسینعلی منتظری، ترجمه صلواتی و شکوری، قم، مؤسسه کیهان، ۱۴۰۹ ق.
- مبسوط در ترمینولوژی حقوق، محمدجعفر جعفری لنگرودی، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۸ ش.
- مجمع الفائدة و البرهان، احمد بن محمد مقدس اردبیلی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ ق.
- «محرمانگی اسرار بیماران در آئینه فقه»، عمار نصراللهی، مجله فقه و اجتهاد، شماره ۹، ۱۳۹۷ ش.
- مدیریت اطلاعات بهداشتی، ادنا هافمن، ترجمه





- مصطفی لنگری زاده، تهران، دیباگران، ۱۳۸۱ش. انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق.
- مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، محمدباقر بن محمدتقی مجلسی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۴ق.
- «مسئولیت مدنی ناشی از افشای اسرار پزشکی در حقوق ایران و کامن‌لا»، محمدمهدی مقدادی؛ محمدحسین دلاوری، مجله حقوق پزشکی، شماره ۳۰، ۱۳۹۳ش.
- مسند، احمد بن محمد ابن حنبل، بیروت، دارصادر، بی تا.
- «نگاهی به حدیث المجالس بالامانة»، محمد مرادی، مجله علوم حدیث، شماره ۶۷، ۱۳۹۲ش.
- وسائل الشیعة، محمد بن حسن حر عاملی، قم، مؤسسه آل‌البتیت (ع)، ۱۴۰۹ق.
- ولایت فقیه، عبدالله جوادی آملی، تهران، رجاء، ۱۳۷۲ش.
- معانی الأخبار، محمد بن علی ابن بابویه، قم، دفتر